



گذری بر آیین «گل گلینو» در بوشهر؛ آیینی که آسمان را مهربان می‌کند

سی ما تشنه‌ها

قدیمی‌ها می‌گویند: «باران با خودش حال خوب می‌آورد. لبخند می‌آورد. شادی می‌آورد. برکت می‌آورد.» اما چه باید کرد که آسمان گاهی خشک‌دستی می‌کند و باران را در انبان خود پنهان و بخل‌ورزانه از نوشاندن آن به زمین خودداری می‌کند. این در حالی است که باران، معجزه آسمان است و هر بار با آمدنش زمین را سبز و خرم می‌کند. در حقیقت، باران حکم دعا را دارد برای خوشبختی زمین و ساکنانش. اینجا همه باران را دوست دارند تا جایی که وقتی پاییز به میانه می‌رسد و خبری از باران نمی‌شود، دست به دامن باورها می‌شوند و به قبله دعا می‌روند. کوچک و بزرگ، پیر و جوان، زن و مرد، دختر و پسر دست به آسمان، استغاثه‌کنان از ایزد منان باران طلب می‌کنند...

خانعلی با یاد روزهای قدیم و باورهای پاک مردم آن زمان می‌گوید: «پاییز برای ما نشانه برگ‌ریزان و خزان نیست؛ بلکه نویددهنده باران است. وقتی پاییز می‌شود، منتظریم نخستین باران ببارد تا زمین‌هایمان را شخم‌بزنیم و بذرهایی‌چو و گندم بکاریم تا با باران‌های بعدی بارور شوند. معمولاً تا نیمه‌های پاییز، نخستین باران با «لیمر» خودش رانشان می‌دهد؛ ولی وقتی که خشکسالی است و باران دیر می‌کند، به قبله دعا می‌رویم و باران را از خدا می‌خواهیم. قدیم‌ها محال بود که این رسم را به جابیاوریم و تا شب یا فردای آن روز، خدا زمین را تر نکند. مردم آن زمان باور داشتند و این قدر این باورها ناب و پاک بود که خدا صدای استغاثه آن‌ها را می‌شنید».

او یادآور می‌شود: «رسم گل گلینو» هنوز هم در میان ما رواج دارد به ویژه در مناطق روستایی؛ چون کشاورزیمان به کشت دیم‌گره خورده است. وقتی باران نمی‌آید به «گل گلینو» روی می‌آوریم و باران را آرزو می‌کنیم. این آیین بخش جدایی‌ناپذیر زندگی ما کشاورزان است و همیشه ضامن خوبی برای رسیدن صدیمان به آسمان است».

قبله دعا یا گلین (گل گلینو) رسم باران‌خواهی مردمان بوشهر است؛ مردمانی که همیشه طعم کم‌آبی را می‌چشند و باران برایشان حکم کیمیا را دارد. وقتی این کیمیا بر سرشان می‌بارد، همچون اکسیری به زندگیشان برکت و طراوت می‌دهد. «خانعلی امیری» که بیش از ۷۰ سال دارد و عمرش را به کشاورزی گذرانده، می‌گوید: «زمان قدیم باران بیشتر بود؛ اما گاهی هم بدجور خشکسالی می‌شد تا جایی که مردم گرسنه می‌ماندند. چون آب‌چندانی برای کشاورزی وجود نداشت و هر کس هر چه می‌کاشت، از ترس گرسنه ماندن، بیشتر محصول را برای خودش نگه می‌داشت».

او که از بدو تولد تا کنون در یکی از روستاهای بوشهر بوده، ادامه می‌دهد: «اینجا خشکسالی تازگی ندارد. همیشه آفتاب تند و تیز است و زمین خشک و روده‌ها هم باریک و کم‌جان؛ اما سال‌هایی هم داشتیم و هنوز هم گاهی هست که باران خوب می‌زند، زمین خوب سبز می‌شود و غله‌ها و جوی‌ها چنان قدم می‌کشند که آدم بینشان گم می‌شود».

اینجا خشکسالی تازگی ندارد. همیشه آفتاب تند و تیز است و زمین خشک و روده‌ها هم باریک و کم‌جان؛ اما سال‌هایی هم داشتیم و هنوز هم گاهی هست که باران خوب می‌زند